روزنه

تأکید آمریکا بر انجام سهمش در توافق هسته‌ای

● وزیر خزانه‌داری آمریکا بـا تأکید بر اینکه ایران به نظام مالی این کشور دسترسی نخواهد داشت، گفت: نهادهـای مالی بین‌المللی باعث تقویت نفوذ آمریکا در عرصه جهانی می‌شـوند. به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه خبـری المانیتور، جک لـو، وزیر خزانه‌داری آمریـکا، روز دوشـنبه در اظهارات خود در مؤسسـه شـورای روابط خارجی گفت: واشـنگتن بـه انجام سهم خود در توافق هسته‌ای، یعنی رفع تحریم‌های ایران در ازای محدودیت برنامه هسـته‌ای این کشور ادامه خواهد داد؛ امـا دولت باراک اوباما حتی اجازه دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا را نخواهد داد. او همچنین گفت: ما با شـریکان بین‌المللی خود به توافق‌هایـی مانند همکاری‌های دو سـوی اقیانوس آرام، توافق‌نامه تاریخی تغییرات آب‌وهوایی و توافق هسته‌ای ایران دسـت یافتیم. ما راهبردها را نیز برای مقابله با تأمین مالی تروریسـت‌ها افزایش دادیم؛ اما بـرای اطمینان‌یافتن از نقش جهانی مـا و اینکه این مزایا برای نسل آینده هم باقی خواهند بود، ما کارهای بیشتری پیش‌روی خود داریم. وزیر خزانه‌داری آمریکا با ادعای اینکه مشـکلات ایران برای جذب سرمایه و تجارت خارجی به سیاسـت‌های این کشور در عرصه داخلـی و خارجی مربوط اسـت، گفـت تهران برای انجام تجارت با چالش‌های زیادی روبه‌رو اسـت؛ اما ما بـه پایبندی به تعهدات خود برای لغو تحریم‌های وضع‌شده علیه این کشـور ادامه می‌دهیم؛ بااین‌حال نظـام مالی آمریکا بـه روی ایران بـاز نخواهد بود و این موضع تغییر نخواهد کـرد. او ادامه داد: بنابراین چالش پیش‌روی آنها این است که چگونه با سیستم مالـی بین‌المللی کـه پیچیده هم هسـت، کار کنند؛ چراکه به میزان زیادی وابسته به قوانین آمریکاست.

حکم اعدام دو ایرانی در مالزی لغو شد

● **ایلنا:** سایت روزنامه «سان‌دیلی» اعلام کرد دادگاه فدرال مالـزی حکم اعدام دو مـرد ایرانی را به جرم قاچاق مواد مخدر لغو کرده است. این دو متهم ایرانی در سـال ۲۰۱۰ مواد مخدر را در جوراب جاسازی کرده بودند که در فرودگاه بین‌المللی کوالالامپور بازداشت و به اعدام محکوم شـده بودنـد. متهمان در دفاع از خـود، ادعا کردند این مواد را برای مصرف شـخصی حمل و قاچاق کرده‌اند. دادگاه فدرال مالزی با شنیدن دفاعیات این دو متهم حکم اعدام آنها را لغو و حکم به ۲۰ سال زندان و ۱۰ ضربه شلاق داد.

زندگی و مرگ مردی که تروریسم را زنده نگه داشت

مرگ «جاسوسی برای تمامی فصول»

محمدرضا احمدی‌نیا: بنیان‌گذار بخش ضدتروریسـم سازمان سیا یکشنبه درگذشـت؛ «دوام رامسدل کلاریج»، مردی که رد پایش در پرونده ایران- کنترا دیده می‌شود و برای توضیح‌دادن درباره این ماجرا به سنا فراخوانده شد. با این‌حال حتی علت مرگ این کهنه‌جاسوس نیز در پرده‌ای از ابهام مانـده، چراکه «ریمونـد گرانگر»، وکیل او، دراین‌بـاره می‌گوید: «مرگ او پیچیده بود، شاید به دلیل مشکلات حنجره یا سرطان مری».

ماجرای ایران-کنترا که به ماجـرای مک‌فارلین و ماجرای ایران‌گیت نیز معروف اسـت، به معامله تسلیحاتی ایران با ایالات متحده آمریکا در سـال‌های جنگ تحمیلی برمی‌گردد. در این ماجرا، آمریکا در پی استفاده از نفوذ ایران، برای آزادسـازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان می‌کوشید و در ازای آن برخـی قطعـات ادوات جنگی و نظامی را که به واسـطه تحریـم امکان فروش آنها به ایران نبود، در اختیار ایران قرار می‌داد. پول فروش این تسـلیحات به‌طور پنهانی به ضد انقلابیون نیکاراگوئه موسوم به «کنتراها» داده می‌شـد. افشـای همین ماجرا موجب رسوایی بزرگی برای دولت وقت آمریکا شد.

سـازمان اطلاعات مرکزی آمریکا که به اختصار CIA نامیده می‌شود بدون شک شناخته‌شـده‌ترین سازمان جاسوسی و اطلاعاتی جهان است که بازوهای ناشـناخته و کمتردیده‌شـده زیادی دارد. این سازمان سابقه بسـیار مفصلی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی در سـرنگونی دولت‌های مشـروع کشـورهای مختلف و دخالت در امور دیگر نقـاط جهان دارد که در آن انواع مختلفی از رسـوایی‌ها به چشـم می‌خـورد، اما یکی از داغ‌ترین دوران‌های رسـوایی‌ها و کارهای خارج از قانون سـیا، به دوران مبارزه با تروریسـم و سـال‌های پایانی جنگ سرد مربوط می‌شود. در این دوران سـازمان اطلاعات آمریکا فهرستی طولانی از فعالیت‌های عجیب و خلافکارانـه را در پرونده خود دارد که در آن از قاچاق اسـلحه و مواد مخدر تا ترور و آموزش گروه‌های تروریسـتی به چشـم می‌خورد. اکنون با گذشـت چهـار دهه از این فعالیت‌ها هنوز هم بسـیاری از اسـناد آن دوران بنابر حکم دادگاه، شـامل قانون آزادی اسناد محرمانه نشده و در صندوقچه اسـرار ایالات متحده باقی مانده است، اما گاهی برخی نام‌ها به دلایلی مطرح می‌شود و گوشه‌ای از این صندوقچه را نمایان می‌کند.

دوام رامسدل کلاریج، معروف به «دووی»، یکی از نمادهای جاسوسان دوآتشـه و سرسـخت آمریکایی بود که بنیان‌گذار بخش ضدتروریسـم سـازمان سیا محسوب می‌شد. او که آخرین فعالیت‌های سری خود را در شرکت مخفی خودش برای ارتش آمریکا در افغانستان و پاکستان انجام داد، روز یکشنبه در ۸۳سالگی از دنیا رفت.

مطرح‌شـدن نام کلاریج به دلیـل مرگش، بهانه تازه‌ای اسـت برای بازشـدن پرونده‌هایـی که چندین دهـه قبل، تاریخ جهان را دسـتکاری کردند. کلاریج که اهل نیوهمپشـایر بود در سـال ۱۹۵۵ به سـازمان سیا پیوسـت و در عملیات‌های مخفیانه مختلف و به‌عنوان مأمور نفوذی در کشـورهای نپال، هند و ایتالیا حضور داشت و در ابتدای دهه ۸۰ میلادی (۱۳۶۰ شمسـی) اداره امور آمریکای لاتین به دسـتش سـپرده شد. این دوران درواقع پرماجراترین دوران کاری او محسـوب می‌شد. هم‌زمان با

کودتاها و آشـوب‌های پیاپی که سیا در کشـورهای آمریکای لاتین به راه می‌انداخت، پدیده‌ای نوظهور در جهان به نام «تروریسـم سـازمان‌یافته غیردولتی» آغاز شد. این پدیده کم‌وبیش با هواپیماربایی گروه ابونضال در وین و رم، شکلی جهانی یافت. سازمان ابونضال منتسب به فردی به نام صبری خلیل البنا، از مبارزان فلسطینی بود که معتقد به مشی مسلحانه بین‌المللـی علیه منافع غرب بود و این سـازمان بعدها شـالوده اصلی جنبش فتح را شکل داد. این سـازمان نخستین هدفی بود که کلاریج در بخش ضدتروریسـم سازمان سـیا با آن روبه‌رو و موفق شد با استفاده از اسـتراتژی نفوذ و ضربه‌زدن از داخل، در یک سـال آن را بسـیار ضعیف و شکننده کند، اما از دل این سازمان، گروه فتح در فلسطین متولد شد.

پـس از سلسـله‌حملات مختلـف و عملیات‌های تروریسـتی که در خاورمیانه به راه افتاده بود، اسـتراتژی نفوذ، استفاده از منابع منطقه‌ای و جمع‌آوری اطلاعات در بخش ضدتروریسـم سیا جای خود را پیدا کرد و کلاریج با همکاری عده زیادی از جاسوسـان نفوذی که مجموعه‌ای از جاسوسـان و تحلیلگران برجسته بودند، توانست در بسیاری از گروه‌های تروریستی جهان رخنه کند، اما هدف او نابودکردن تروریسم نبود. کلاریج یـا همـان دووی، از نفوذ و توان خـود در کنار ارتباطات گسـترده‌ای که در ارکان مختلف حکومت آمریکا داشـت، اسـتفاده می‌کرد تا عملیات پیچیده‌ای برای مقاصد تعریف‌شـده در سیاسـت خارجی پنهان آمریکا ترتیب دهد.

سوگند دروغ در ایران- کنترا

یک نمونه بسـیار بارز این عملیات در رسوایی ایران- کنترا توسط سنا بررسی شد. جرج جی‌میشل، سناتور سابق و مذاکره‌کننده ارشد آمریکا در کتاب خاطرات خود، به‌عنوان یکی از طراحان اصلی پرونده کنترا در سنا، از کلاریج و سوگند دروغ او نام می‌برد. هنگامی که در سنا از دووی درباره فروش سلاح به ایران سؤال شد، سوگند خورد که از محموله کشتی‌هایی که به‌سوی ایران فرستاده، اطلاع نداشته است و در سوگندی دیگر هرگونه ارتباط میان شرکت کنترا و کودتا و جنگ داخلی در نیکاراگوئه را رد کرد. درواقع او تمام این عملیات را برای دولت رونالد ریگان، رئیس جمهوری وقت آمریکا، طرح‌ریزی کرده بود تا در افکار عمومی طوری وانمود شود که آمریکا شکست‌ناپذیر است و به ایران هیچ باجی نمی‌دهد. خود دووی جایی نقل کرده است که در ۱۹۸۳ وقتی با سرهنگ‌دوم، اولیور نورس که مسـئول کارهای کنترا در شورای امنیت ملی بود مشروب می‌خورد، به او پیشنهاد داد تمامی مرز نیکاراگوئه را مین‌گذاری کنند.

رابرت ام گیتس، که در دولت ریگان، رئیس سـازمان سـیا و در زمان بـوش وزیر دفاع آمریکا بود، در بخشـی از خاطرات خـود درباره دووی می‌نویسـد: «اگر کار دشوار، خطرناک، پیچیده و حساس برای امنیت ملی داریـد، بهترین و تنها کسـی که به درد این کار می‌خورد دووی اسـت». تا سـال‌های اخیر هم نام دووی تنها نامی بود که در رسـانه‌ها شـنیده می‌شـد یا وجود داشت اما در سال ۱۹۹۱ بالاخره دادگاهی کلاریج را پس از آنکه دو سال از بازنشسـتگی‌اش می‌گذشت، به دلیل سوگند دروغ در پرونده کنترا گناهکار شـناخت و او را از هرگونه شـغل دولتی منع کرد؛ اما این پایان کار جاسـوس شـبکه‌ای آمریکا نبود. در ۱۹۹۲ دولت جرج بوش او را عفو کرد و دوباره به خدمت فراخواند تا در قالب یک شـرکت خصوصی به کارهای جاسوسی رسیدگی کند. پس از حملات ۱۱ سپتامبر، بخش ضدتروریسم سـیا دیگر یک غول بی‌شاخ‌ودم شده بود که درواقع میراث کلاریج را در تمام ارکان سـازمان اطلاعات آمریکا منتشر می‌کرد. اکنون دووی به گفته دوسـتانش عفونامـه رئیس جمهوری را در مقابل در ورودی خانـه‌اش در کارولینای شـمالی نصب کرده بـود تا هرکس وارد می‌شـود آن‌را ببیند اما این هم غرور ازدست‌رفته‌اش را ترمیم نکرد و باعـث شـد او در ۱۹۹۷ کتاب خاطراتی به نام «جاسوسـی برای تمام فصول» منتشـر کند که در آن از افت قدرت سیا پس از دوران جنگ سرد و شـکل‌گیری نسل تازه‌ای از جاسوسان که بسیار ضعیف‌تر هستند، گلایه کند. در جنگ افغانسـتان و پس از ۱۱ سپتامبر دووی به عنوان یک طرف قرارداد خصوصی با ارتش آمریکا همکاری می‌کرد و شبکه گسترده‌ای از جاسوسان محلی و آموزش‌دیده را به داخل گروه‌های تروریستی‌ای مانند طالبان و القاعده فرسـتاده بود و اطلاعات لازم را جمع‌آوری می‌کرد اما هیچ‌گاه از این اطلاعات برای نابودی کامل هیچ شبکه تروریستی‌ای بهره نگرفت. در سـال ۲۰۰۸ روزنامه نیویورک‌تایمز شـرکت او را برای آزادی دیوید رود، خبرنگار این روزنامه که توسـط طالبان به گروگان گرفته شده بود استخدام کرد اما پس از ۸ ماه رود با خوش‌اقبالی توانست خودش از چنگ این تروریست‌ها فرار کند و سازمان کلاریج هیچ اقدامی دراین‌زمینه نکرد. در سـال ۲۰۱۰ پنتاگون قرارداد اطلاعاتی خود با شـرکت کلاریج را لغو کرد.

کلاریج یا همان جاسـوس «دووی» سـال‌های پایانی عمر خود را در بازنشسـتگی در یک خانه سالمندان می‌گذراند اما در سال ۲۰۱۵ روزنامه ایندیپندنت دوباره نام او را بر سر زبان‌ها انداخت. این روزنامه کشف کرد که مرد پشت پرده و مشـاور مخفی بن کارسون، کاندیدای سابق ریاست جمهوری، کلاریج بوده است. او در گفت‌وگوهای رسانه‌ای که پس از آن داشـت اعتراف کرد شبکه گسترده جاسوسـان خود را برای آینده حفظ کرده اسـت و هنـوز با آنها ارتبـاط دارد؛ ارتباطی که نه بـرای مبارزه با تروریسـم بلکه برای اهدافی که سیاست خارجی در سایه آمریکا تعریف می‌کند، به کار خواهند آمد.

خبر

تمدید تحریم‌های حقوق‌بشری اتحادیه اروپا

● **فارس:** شـورای وزیران اتحادیه اروپا روز دوشنبه تحریم‌های وضع‌شـده به بهانه نقض حقوق بشـر علیـه ۸۲ فرد و یک مؤسسـه را تا تاریـخ ۱۳ آوریل سـال ۲۰۱۷ تمدید کرد. اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۱، با متهم‌کردن برخی اشـخاص و سازمان‌های ایرانی به نقض حقوق بشر، تحریم‌هایی علیه آنها وضع کرده اسـت. این تحریم‌ها شامل توقیف اموال و دارایی‌ها و همچنیـن ممنوعیـت سـفر اسـت. محمدعلی جعفری، فرمانده سـپاه، حسـن فیروزآبادی، رئیس سـتاد کل نیروهای مسلح، علی سـعیدی، نماینده ولی‌فقیه در سـپاه، حسـین طائب، رئیس سـازمان اطلاعات سـپاه پاسداران، محمدرضا نقدی، فرمانده بسیج، اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده سابق نیروی انتظامـی و همچنین صادق لاریجانـی، رئیس قوه قضائیه، غلامحسـین محسـنی‌اژه‌ای، معـاون اول رئیس قوه قضائیه، سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهـران و چند قاضـی دادگاه‌های انقـلاب از جمله افرادی بودند که در فهرسـت تحریمی اتحادیه اروپا قرار گرفتند. این اتحادیه در مهرماه سـال جاری بعد از اجرائی‌شـدن توافق هسـته‌ای ایران و گروه ۱+۵ موسـوم به «برجام»، تحریم‌هـای اقتصادی و مالی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را لغو کرد.

برای بازگرداندن پناه‌جویان ایرانی، اجباری نداریم

● **ایسـنا:** سـفیر ایران در اسـترالیا گفـت: «هیچ تصمیمـی بـرای بازگردانـدن اجبـاری هیچ‌یک از پناه‌جویـان ایرانـی نداریـم ولـی حاضر هسـتیم در صـورت خواسـت آنهـا بـا پناه‌جویـان ایرانی همکاری‌هـای لازم را انجـام دهیم». عبدالحسـین وهاجی افزود: «قبل از سـفر وزیـر خارجه ایران به اسـترالیا برخی رسـانه‌های مخالف دولت استرالیا، اخبـار دروغی مبنی‌بر اینکـه محمدجواد ظریف در سفرش به «کانبرا» توافق‌نامه‌ای را برای بازگرداندن اجباری پناه‌جویان ایرانی با طرف اسـترالیایی امضا خواهد کرد منتشر کردند. در این سفر هیچ توافق‌نامه یا قراردادی امضا نشـد چراکه باید زمینه‌سازی‌های لازم انجـام شـود. تا دو ماه دیگر اسـترالیا شـاهد انتخابات خواهد بود و پـس از آن این توافق‌نامه‌ها و قراردادها بررسـی و در صورت فراهم‌بودن شرایط امضا و اجرائی خواهند شد».

روایت پوردستان از نحوه شهادت تکاوران ارتش در سوریه

شرق: پیکرهای چهار شـهید کلاه‌سبز ارتش ایران در سوریه، روز گذشـته وارد کشور شدند. پیکر این شـهدا پس از ورود به تهران، به «معراج شـهدا» منتقل شـدند تـا خانواده‌های آنها بـرای وداع به آنجا بروند. به گزارش «تسنیم»، سرهنگ «مجتبی ذوالفقارنسـب»، سروان «مرتضی زرهرند»، ستوان دوم «مجتبی یداللهی‌منفرد» و «محسن قیطاسلو» چهـار نفر از تکاوران تیـپ ۶۵ نوهد نیروی زمینی ارتش هستند که در مأموریت مستشاری در سوریه به شهادت رسیدند.

۱۶ فروردین‌مـاه بـود که امیر «علی آراسـته»، معاون هماهنگی نیروی زمینی ارتش، از اسـتقرار تکاوران تیـپ ۶۵ نوهد (نیروی ویـژه هوابرد) در سوریه خبر داده بود. او با اشاره به حضور مستشاری نیروی زمینی ارتش به‌خصوص تیپ ۶۵ در سوریه گفته بود: «تیپ ۶۵ جزئـی از نیروی زمینی ارتش اسـت و ما هـم از تیپ ۶۵ و هـم یگان‌های دیگر به‌عنوان مستشار به سـوریه نیرو اعزام می‌کنیم و این اعزام مختص تیپ ۶۵ تکاوری نیست و الان در آنجا مستشاران تیپ ۶۵ حضور دارند».

به‌عنوان سـرباز نظام اگر مأموریتی باشد، اجرا می‌کنیم

امیر سـرتیپ «احمدرضا پوردسـتان»، فرمانده نیـروی زمینی ارتش کـه در این مراسـم حضور داشـت، در سـخنانی گفت: «به‌عنوان سرباز نظام مقدس جمهوری اسـلامی ایران وظیفه داریم که اگـر مأموریتی باشـد آنجا حاضر شـویم و اجرای مأموریت کنیم».

بـه گـزارش «ایسـنا»، او درخصـوص حضور مستشـاری ارتش در سـوریه گفت: «داعش را در حدواندازه‌ای نمی‌بینیم که یک یگان نظامی را وارد کنیم. دشـمن اصلی ما آمریکاست و ما متناسب با آنها خودمان را آماده می‌کنیم». پوردسـتان ادامه داد: «در مأموریت مستشـاری سـوریه تعدادی از کارکنان نیروی زمینی ارتش حضور دارند و با قوت و اسـتحکام در کنار نیروی قدس و سایر کسانی که در جبهه انجام وظیفه می‌کنند حضور مؤمنانه‌ای داریم».

او در تشـریح چگونگی شـهادت چهار رزمنده ارتشـی، گفـت: «در عملیاتی کـه چندهزارنفر از نیروهای جبهه النصره و تکفیری‌ها حمله وسیعی را بـه جنوب حلب انجام داده بودند این رزمندگان رشـادت‌ها و دلاورمردی‌های مؤمنانه و شایسته‌ای داشتند که تعداد چهارنفر از این عزیزان به شهادت رسیدند و البته قبل از شهادت، توانستند تعدادی از تانک‌ها و نفربرهای گروهک تروریسـتی النصره را منهدم کنند و ۲۰۰ کشـته از آنها بگیرند که تمامی اسناد آن نیز موجود است و این گوشه‌ای از خدمات و تلاش‌های عزیزان ارتش اسـت که در کنار سپاه قدرتمند از حرم اهل‌بیـت(ع) و مرزهای عقیدتی و ایمانی نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند. ما یک یگان را شرکت ندادیم بلکه تعدادی از پرسنل را از تمامی یگان‌ها شرکت دادیم که از جمله آنها تیپ ۶۵ است».

روز دوشـنبه هم فرمانده نیـروی زمینی ارتش دربـاره اعزام تیـپ ۶۵ نوهـد به سـوریه گفت: «نیروی زمینی، یگان‌های واکنش‌سـریع و مدرسه تک‌تیرانـدازی را بـرای مقابلـه بـا گروهک‌های تروریسـتی ایجاد و ظرفیت و سـلاح‌های کافی را برای مقابله با این تهدیدات طراحی کرده است».

اولیـن کار ارتش کمک به تشـکیل هسـته اولیه سپاه

او همچنین در صبحگاه مشترک این نیرو که در مرکز تربیت و آموزش پشتیبانی شهید امانی نزاجا برگزار شد، گفت: «اولین کار ارتش در همان آغازین روزهای انقلاب، کمک به تشکیل هسته اولیه سپاه پاسـداران و کار دیگر ارتش بعد از پیروزی انقلاب مبارزه با گروه‌های ضدانقلاب بود». فرمانده نیروی زمینی ارتش در مورد رصـد فعالیت‌ها در منطقه گفت: «ارتش هم‌اکنـون تمام فعالیت‌هایی که در منطقه صورت می‌گیرد را رصد و در صورت لزوم با آنها برخورد می‌کند و مردم ما نیز بدانند که ارتش ما هیچ‌گاه غافلگیر نمی‌شـود. وضعیتی که امروز در منطقه حاکم است، به صورت جنگ‌های نیابتی اسـت و ارتش ما نیز برای این کار آمادگی کامل را دارد».

ادامه از صفحه ۶

منشور صرفا برای یادآوری حقوق مردم است

اجـرای حقوق و اصولـی که مربوط بـه قانون اساسـی و قوانین عادی است، به عهده قوه قضائیه اسـت و متخلفان نقض این حقوق، باید ازسوی قوه قضائیه تعقیب شـوند. بـا توجه با اینکـه در هیچ دوره‌ای دولت‌هـای ایران بـه عنوان قـوه مجریه، جرم نقـض این قانون را رسـما مرتکب نشـده‌اند، معمولا ادعای زندانیان سیاسـی- که هنوز به علت تصویب‌نشـدن قانون جرم سیاسـی، آنهـا را مانند گذشـته به‌عنوان متهمان امنیتی محاکمه می‌کنند- و تضییع حقوق آنان، مسـتند بـه فعل یا ترک فعل مسـئولان و مقامات تحقیق اسـت که در بسیاری از موارد ایـن مقامات تحقیـق، از لحـاظ تفکیک قوا اختیاراتـی دارند و مسـتقل عمل می‌کننـد که قوه مجریـه و حتی قوه قضائیه هم نمی‌توانند دراین‌باره مداخله‌ای داشته باشند.

دولت پیگیر اجرای قوانین موجود باشد

که این، اتفاقا بـا وظایف دولت هم هم‌خوانی بیشـتری دارد؛ کمااینکـه با وجود گذشـت بیش از دو سـال از انتشـار این منشـور و اخذ نظریات کارشناسـی از واحدهای مختلـف جامعه مدنی، متأسـفانه دیگر خبری از آن نیست و از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست.

منشور حقوق شهروندی به قانون تبدیل شود

بااین‌حال در کشـور ما مشـکل حقوق شـهروندی تدوین و تنظیم منشـور و قانون نیست بلکه مشکل اساسی درزمینه حقوق شـهروندی ازیک‌طرف نبود فرهنگ‌سـازی دراین‌زمینـه در میان آحـاد مختلف مـردم و ازطرفی‌دیگر اعتقادنداشـتن بـه اجرا و به رسمیت شناخته‌شدن این حقوق توسط دستگاه‌های مختلف حاکمیتی اسـت؛ بنابراین ضـروری بود که دولت هم‌زمان با تدوین منشـور حقوق شهروندی، گام‌های لازم را برای نهادینه‌کردن حقوق شهروندی از طریـق آموزش‌هـای همگانـی و آمـوزش آن از دوران ابتدایـی در آموزش‌وپـرورش در نظر گیرد و نهادهای نظارتـی و کنترلی لازم را برای تضمین این حقوق ایجاد کند. منشور حقوق شهروندی تنظیمی توسط دولت تا زمانی که به قانون تبدیل نشود فاقد ضمانت اجرائی بوده و در اجرا قطعا به سرنوشـت قانون احترام به آزادی‌های مشـروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ دچار خواهد شد.